



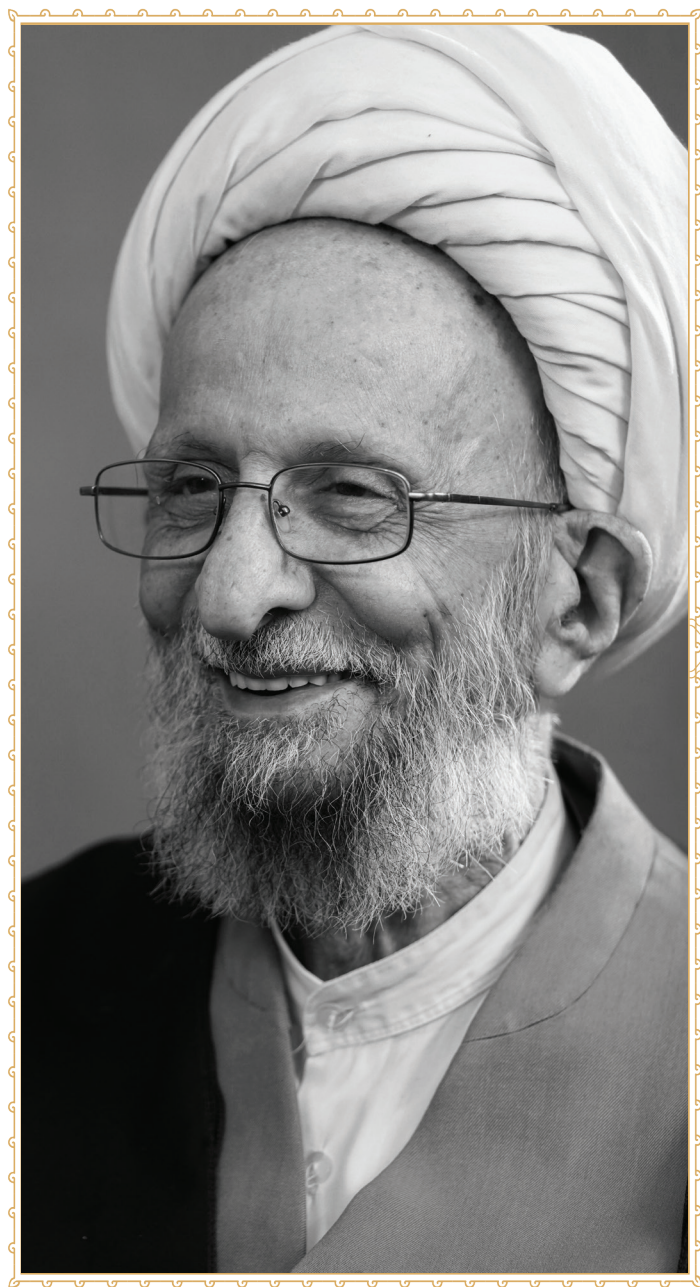
تحلیل روان شناختی فتنه دینی
در کلام امیرالمومنین علیه السلام

برگرفته از سخنرانی در سایه سار نهج البلاغه،

مشهد، دانشگاه رضوی، ۱۳۸۷/۰۵/۲۶

کاری از رسانه @MESBAHYAZDI_IR





بسم الله الرحمن الرحيم

• مقدمه

با توجه به مسئولیت سنگین صیانت از دین، بسیار مهم است که بدانیم فتنه در امور دینی چگونه پدید می‌آید. شناخت ترفندهای شیاطین، مانع از افتادن در دام فتنه‌گران می‌شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه تحلیلی ژرف از سازوکار فتنه‌ها ارائه داده‌اند که شایسته نگارش کتابی مستقل است. از نگاه ایشان آغاز فتنه‌ها، ریشه در بیماری‌های درونی و روانی دارد؛ نه فقط عوامل بیرونی یا سیاسی. فهم این نکته، کلید اصلی درک و مهار فتنه است.^۱

• مفهوم فتنه

فتنه یعنی آشفتگی‌های اجتماعی و فکری که با دست خود مردم ایجاد می‌شود و به ناامنی محیطی یا انحراف اعتقادی می‌انجامد.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۰: «إنما بدء وقوع الفتن أهواء تتبع، وأحكام تبتدع، يخالف فيها كتاب الله، ويتولى عليها رجال رجلا، على غير دين الله، فلو أن الباطل خلص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين، ولو أن الحق خلص من لبس الباطل، انقطعت عنه ألسن المعاندين، ولكن يؤخذ من هذا ضغث ومن هذا ضغث، فيمزجان، فهناك يستولي الشيطان على أوليائه، وينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنى؛ آغاز پیدایش فتنه‌ها پیروی از هوا و هوس‌ها و بدعت‌هایی است که با کتاب خدا مخالفت دارد و گروهی (چشم و گوش بسته یا هواپرست آگاه) به پیروی آنان بروی خیزند و برخلاف دین خدا از آنها حمایت می‌کنند. اگر باطل از آمیختن با حق جدا می‌گردید بر کسانی که طالب حَقّند پوشیده نمی‌ماند. و اگر حق از آمیزه باطل پاک و خالص می‌شد، زبان دشمنان و معاندان از آن قطع می‌گشت. ولی بخشی از این گرفته می‌شود و بخشی از آن و این دو را به هم می‌آمیزند و اینجا است که شیطان بر دوستان و پیروان خود مسلط می‌شود. و تنها کسانی که مشمول رحمت خدا بودند از آن نجات می‌یابند.»

• نقطه شروع: هوس های پنهان

بر اساس کلام امیرالمؤمنین علیه السلام، فتنه از هوس های نفسانی و تمایلات نامشروع درونی آغاز می شود؛ اگر این خواسته ها به درستی مهار و مدیریت شوند، زمینه ای برای شکل گیری فتنه باقی نمی ماند. اما در صورت رها شدن این امیال، فرد فتنه گر پیش از هر چیز در درون خویش دچار انحراف و افراط می شود.

نکته قابل توجه آن است که فتنه گران لزوماً از میان افراد نادان یا عامی نیستند؛ بلکه اغلب از طبقات تحصیل کرده و بانفوذ جامعه اند. این افراد به واسطه موقعیت علمی یا جایگاه اجتماعی خود، توان اثرگذاری بیشتری را بر جامعه دارند. کسانی با القاب و عناوینی همچون «آیت الله»، «دکتر»، «پروفسور» که به جای تبعیت از عقل و حقیقت، به دنبال هوس های خویش می روند و در نتیجه به ورطه گمراهی می افتند.

• مرحله دوم: ابداع آراء بدعت آمیز

فتنه گر برای رسیدن به اهداف خود، انحراف درونی اش را با چهره ای بزرگ شده به جامعه منتقل می کند. او با نظریه سازی و بدعت گذاری، سخنانی را در قالب نوگرایی و پیشرفت مطرح می سازد، در حالی که محتوای آن ها در واقع با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در تعارض است. «یک حرف درست، در کنار چند گزاره انحرافی» همین

ترکیب باعث می‌شود مردم فریب بخورند و دشمن بتواند به دین و روحانیت حمله کند.

حضرت امیر علیه السلام در تبیین ماهیت نظریه‌های بدعت‌آمیز، آن‌ها را آمیزه‌ای از حق و باطل می‌دانند؛ زیرا اگر حق به صورت کامل و خالص ارائه شود، مجالی برای مخالفت و انکار باقی نمی‌ماند. اگر باطل به تنهایی عرضه گردد بطلان آن به وضوح نمایان خواهد شد اما آنگاه که حق با باطل در هم می‌آمیزد، زمینه فریب و گمراهی فراهم می‌شود و از همین نقطه است که انحراف آغاز می‌گردد.^۲

هشدار: هر سخن تازه‌ای الزاماً نادرست نیست؛ اگر بر پایه منابع معتبر و با روشی علمی و استوار ارائه شود، ارزشمند و راه‌گشاست. اما فتنه‌گر، نوگویی را نه از سر تحقیق، بلکه برای فریب افکار عمومی به کار می‌گیرد.

• مرحله سوم: جلب پیرو و فریب مخاطبان

طراحان اصلی فتنه به دنبال امتیازات خاصی برای خود و اطرافیان‌شان‌اند؛ امتیازاتی که با جریان صحیح فکری جامعه به دست نمی‌آید، پس با طراحی جریانی انحرافی در دین، به دنبال جذب پیروان می‌گردند. در گام نخست، سراغ همدستان سودجو می‌روند؛ کسانی که برایشان حقیقت و باطل اهمیتی ندارد و تنها منفعت شخصی‌شان را می‌سنجند.

۲. لَوْ كَانَ الْحَقُّ خَالِصًا لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي حِجَى، وَلَوْ كَانَ الْبَاطِلُ خَالِصًا لَمْ يَخْفَ عَلَى ذِي لُبٍّ، وَلَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِعْفٌ، وَمِنْ ذَلِكَ ضِعْفٌ، فَيُمَزَّجَانِ.

برای گسترش نفوذ، فتنه‌گران به سیاهی‌لشکر نیاز دارند؛ مردمی ناآگاه یا بی‌تفاوت که فریب سخنان بزرگ‌شده اما انحرافی را می‌خورند و آن را تنها راه نجات می‌پندارند. سپس با پمپاژ مستمر روایت تحریف‌شده خود از وضعیت جامعه، فضای عمومی را آن‌چنان غبارآلود، متشنج و آشفته جلوه می‌دهند که حتی افراد حق‌طلب نیز در قضاوت به‌موقع دچار تردید و کندی می‌شوند. در این شرایط، بازار فتنه به اوج می‌رسد: رهبران فتنه مشغول اجرای نقشه‌اند، سودجویان در پی بهره‌برداری‌اند، و سیاهی‌لشکر فریب خورده نیز تنها راه نجات را پیروی از این افراد می‌داند. به‌طور کلی بازیگران زمین فتنه به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف. طراحان و شیاطین فتنه (شیاطین انس)

- نقش: طراحی، مهندسی و اجرای فتنه
- انگیزه: اغواء، فساد، نابودی ارزش‌ها
- وضعیت روانی: آگاهانه و عامدانه در مسیر شیطان
- وظیفه ما نسبت به آن‌ها: فقط اتمام حجت؛ هیچ‌امیدی به هدایتشان نیست

ب. سودجویان فرصت‌طلب

- نقش: دامن‌زننده و پشتیبان فتنه برای منافع شخصی
- انگیزه: مال، مقام، لذت‌های نفسانی
- وضعیت روانی: آگاهانه، اما با نیت منفعت‌طلبی
- وظیفه ما نسبت به آن‌ها: تلاش برای هدایت، اگر امیدي باشد

ج. فریب خوردگان (قربانیان فتنه)

- نقش: بی‌گناه، اما گرفتار در دام فتنه
- انگیزه: تصور نادرست از حقیقت، دنبال راه هدایت
- وضعیت روانی: جاهل و ساده‌دل
- وظیفه ما نسبت به آن‌ها: اصلی‌ترین وظیفه ما نسبت به این‌هاست باید از افتادن آن‌ها در دام فتنه‌ها جلوگیری کرد و آن‌ها را نجات داد.

• راه نجات از فتنه

برای پیشگیری از افتادن در دام فتنه، دو راهکار اصلی وجود دارد:

- نخست تقویت بنیه علمی برای تشخیص حق از باطل و تمایز استدلال صحیح از مغالطه؛ در این مرحله اگر خود توان علمی نداریم، باید به افراد بصیر و مطمئن اعتماد کنیم.
 - دوم اصلاح اخلاق و تهذیب نفس است چون بسیاری اینکه حق را می‌شناسند، به خاطر هوس‌های درونی راه باطل را انتخاب می‌کنند.
- این است تصویری از بازار فتنه؛ اما عرصه بصیرت و مقابله با آن، نیازمند تحلیلی مستقل و عمیق‌تر است.

۱۳۸۷/۰۵/۲۶



@mesbahyazdi_ir | mesbahyazdi.ir